

تحلیل مقایسه‌ای ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول

مهدی صادقی شاهدانی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۳۰

محمدابراهیم آقابابایی**

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲۹

چکیده

عدم پرداخت اصل و فرع بدهی طبق شرایط مندرج در قرارداد، ریسک اعتباری تلقی می‌شود. از میان ریسک‌های موجود در عملیات بانکی، ریسک اعتباری از آن جهت که حیات بانک به آن وابسته است، مهم‌ترین ریسکی است که بانک‌ها با آن مواجه می‌شوند. توجه به عوامل مؤثر و مدیریت صحیح این ریسک، می‌تواند تضمین‌کننده ثبات و سودآوری بانک باشد. هرچند ابعاد مختلف این موضوع در بانکداری متداول مورد توجه قرار گرفته، اما به دلیل ماهیت متفاوت بانکداری اسلامی، بررسی این ریسک و پیش از آن بررسی رویکرد اسلام نسبت به موضوع ریسک بسیار ضروری است. از این رو، هدف این مقاله تبیین رویکرد اسلام نسبت به مفهوم ریسک و همچنین ارائه تحلیل نظری در مقایسه ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول است.

هرچند مفهوم ریسک با مفهوم غرر در مباحث اسلامی قرابت دارد، اما به نظر می‌رسد این دو مفهوم از یکدیگر متمایز است و از این جهت ایرادی متوجه قراردادها با ریسک اعتباری از دیدگاه اسلام نخواهد شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، هرچند بانکداری اسلامی در استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری انعطاف کمتری دارد، ولی به دلیل ماهیت متفاوت قراردادها و عقود و شرایط پیرامونی در مدیریت ریسک اعتباری، بانکداری اسلامی از لحاظ نظری با ریسک اعتباری کمتری مواجه خواهد بود. به علاوه محدودیت‌های موجود در مدیریت ریسک نیز قابل رفع است و از این رو، بانکداری اسلامی با مدیریت صحیح ریسک اعتباری می‌تواند نسبت به بانکداری متداول اثبات‌تر باشد.

واژگان کلیدی

بانکداری اسلامی، ریسک، غرر، ریسک اعتباری، ارزش در معرض ریسک

Sadeghi@isu.ac.ir

* رئیس دانشگاه علوم اقتصادی تهران

Aghababaei@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تهران

۱. مقدمه و اهمیت موضوع

در گذشته، مطالعات نظری در بانکداری اسلامی عمدتاً بر شیوه‌های تأمین مالی - اسلامی و توانایی ابزارهای جدید برای رفع نیازهای مردم به‌عنوان جایگزینی برای سیستم بانکداری متداول و همچنین سازگاری این شیوه‌ها و ابزارهای مطرح‌شده با قوانین بانک‌ها تمرکز داشت. با استقرار نظام بانکداری اسلامی و عملکرد مناسب این نظام در سال‌های اخیر، مسائل جدیدتری در مورد میزان ثبات و پایداری بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متداول مطرح می‌شود. تأکید بر ضمانت عملکرد مناسب، ثبات و کافی بودن منابع، نظارت از طریق مؤسسات دولتی نظیر بانک مرکزی اقدامی در همین زمینه به شمار می‌رود. به‌طور خلاصه عمده دلایل امکان بی‌ثباتی در بانک‌ها را می‌توان این‌گونه بیان نمود:

الف. عملکرد این‌گونه واسطه‌های مالی به‌گونه‌ای است که بدهی‌های آن‌ها چندین برابر سرمایه‌شان خواهد گردید. این بدهی بالا به‌شدت متأثر از تغییرات شرایط اقتصادی است.

ب. واسطه‌های مالی نقش قرض‌دهنده یا اعتباردهنده را خواهند داشت. قسمت عمده از سود این واسطه‌ها از اختلاف در دوره زمانی و ریسک‌های موجود دو طرف این قرارداد به دست می‌آید. در صورتی‌که توازن میان دارایی‌ها و بدهی‌های بانک حفظ نشود، ممکن است ثبات بانک با مشکل مواجه شود.

ج. بانک‌ها بر مبنای اعتماد مردم شکل می‌گیرند. در صورت بی‌اعتمادی مردم، بانک قادر به ادامه فعالیت خود نخواهد بود.

برای نظارت، ملاک‌ها و معیارهای مشخصی برای تشخیص عملکرد مناسب بانک نیاز است. این ابزارها شامل میزان ریسک موجود در هر عملیات بانکی و وجود ذخایر، مهارت‌های مدیریتی و منابع مورد نیاز برای مدیریت ریسک‌های خود است. از این‌رو، شناخت ماهیت ریسک‌های موجود در تأمین مالی - اسلامی اهمیت بسیار ویژه‌ای می‌یابد. شناخت ریسک‌های موجود و نحوه مدیریت آن‌ها تضمین‌کننده عملکرد مناسب و ثبات خواهد بود. اهمیت تجربی این مسئله در بانکداری به‌دلیل پیشرفت‌های قابل

ملاحظه در اندازه‌گیری و سنجش ریسک است. سنجش ریسک این امکان را فراهم می‌آورد تا میزان ریسک موجود در تصمیمات گوناگون، با بازدهی مورد انتظار از سرمایه‌گذاری مقایسه گردد.

با توجه به ماهیت فعالیت‌های بانک، ریسک اعتباری بیشترین نقش را در توان سودآوری آن خواهد داشت. اهمیت ریسک اعتباری برای بانک‌ها و از دید ناظران و تنظیم‌کنندگان بازار به حدی است که توافقنامه بازل ۱۹۸۸ فقط در مورد ریسک اعتباری دارایی‌های ترازنامه‌ای و خارج از ترازنامه‌ای بانک‌های وضع شد. کسب‌وکار اصلی در نظام بانکداری متداول، قرض‌دادن پول است. در نتیجه اعطای تسهیلات و وام و حساب‌های دریافتی مربوط به مشتریان بخش عمده‌ای از دارایی‌های کلی آن را تشکیل می‌دهد. کیفیت این دارایی‌ها به بازپرداخت کامل و به موقع اقساط به بانک بستگی دارد. در صورت عدم مدیریت مناسب ریسک اعتباری، ممکن است بانک با بی‌ثباتی و حتی ورشکستگی مواجه گردد. علی‌رغم ابداع و نوآوری‌های موجود در نظام بانکی، ریسک اعتباری از سوی وام‌گیرنده، به‌عنوان دلیل عمده عدم موفقیت بانک‌ها محسوب می‌شود. سؤال اساسی در این زمینه این است که آیا بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متداول، ریسک اعتباری کمتر و یا بیشتری متحمل می‌شود؟ از دیدگاه نظری، پاسخ این سؤال به عوامل متعددی چون ویژگی‌های تأمین مالی و همچنین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری بستگی دارد. در این مقاله سعی بر آن است در عوامل مؤثر بر میزان ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی در مقام نظری، مطالعه دقیق‌تری صورت پذیرد. ذکر این نکته ضروری است که هدف این مطالعه بررسی مقایسه‌ای ریسک اعتباری در بانکداری متداول و اسلامی است و از این رو، همه شیوه‌ها و ابعاد مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی بررسی نخواهد شد.

قبل از بررسی و تحلیل مقایسه‌ای میزان ریسک اعتباری در بانکداری متداول و بانکداری اسلامی، مروری اجمالی بر ریسک و مفاهیم مرتبط با آن در دیدگاه اسلامی خواهیم داشت. اهمیت این مسئله از آنجا نشئت می‌گیرد که به نظر می‌رسد مفهوم غرر مورد اشاره فقهاء در بحث عقود اسلامی و قراردادها، ارتباطی با مفهوم ریسک در

مطالعات نوین مالی ندارد. به عبارتی، زمانی که فقیه به غرری بودن قراردادها اشاره می‌کند و قراردادی را از دید شریعت مجاز نمی‌داند، ممکن است این مسئله با ریسک‌های مورد بحث در مالیه اسلامی یکسان تلقی گردد و ریسک و مدیریت ریسک، با این دید حرام شمرده شود. از این‌رو، بررسی دقیق مفهوم ریسک از دید اسلامی ضروری می‌نماید. از این‌رو، پس از مقدمه مطالعات صورت گرفته در این زمینه به‌اجمال بررسی خواهد شد. بخش سوم ریسک اعتباری و مدل ارزش در معرض ریسک اعتباری به‌عنوان شیوه محاسبه سنجش ریسک در بانکداری متداول و تعیین عوامل مؤثر بر میزان آن معرفی شده است. مفاهیم اسلامی مرتبط با ریسک، شباهت‌ها و تمایزات آن با مفهوم ریسک در بحث‌های مالی در بخش چهارم به‌اجمال بررسی شده است. به‌علاوه در این بخش اجزای مؤثر بر میزان ارزش در معرض ریسک در بانکداری اسلامی و متداول به‌صورت دقیق‌تر بررسی و مقایسه شده و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مروری اجمالی بر مطالعات پیشین

مطالعات رسمی در مورد ریسک اعتباری در سطح پرتفوی از نیمه دوم قرن گذشته آغاز شد. مارکوئیتز (۱۹۵۹) برای اولین بار اعلام کرد که در انتخاب یک پرتفوی به دو نکته باید توجه داشت، یکی حداکثر نمودن بازده مورد انتظار و دیگری حداقل کردن ریسک. دستیابی به بازده مورد انتظار بیشتر برای یک پرتفوی (میانگین) تنها از طریق تحمل ریسک بیشتر امکان‌پذیر است.

لوپز روش‌های مختلف محاسبه ارزش در معرض ریسک را با یکدیگر مقایسه نمود (Lopez, 1996) و به میزان صحت و دقت روش‌های مختلف پرداخت. جکسون و سایرین به بررسی امکان پیش‌بینی واریانس عوامل ریسک (نرخ‌های بهره، قیمت‌های سهام و نرخ ارز) پرداخته و روش‌های پارامتریک و غیرپارامتریک محاسبه VaR را با یکدیگر مقایسه نمود (Jackson et al., 1997). کروونکوویچ نیز در مقاله‌ای مشابه به بررسی امکان پیش‌بینی همه پارامترهای توزیع عوامل ریسک پرداخته است (Crnkovic and Drachman, 1996). باسی و دیگران مشکلات تخمین احتمال اینکه حادثه‌ای نادر

اتفاق افتد را مورد بحث قرار داده و روش مقادیر حداکثر را به جای روش‌های متداول محاسبه VaR پیشنهاد نمودند (Bassi, et al., 1996). بعد از آن بود که کمیته بال این مدل‌ها را به‌عنوان اساس و پایه مدل‌سازی برای مدل‌های داخلی بانک معرفی نمود. در سال‌های اخیر مطالعات و نوآوری‌های بسیار زیادی در این حوزه صورت گرفت که در این مقاله مجالی برای معرفی این مطالعات نیست.

علی‌رغم اهمیت زیاد موضوع ریسک در بانکداری اسلامی و گسترش سریع استفاده از روش ارزش در معرض ریسک در بانکداری متداول، مطالعات بسیار محدودی به مقایسه ریسک اعتباری و مدیریت آن در بانکداری متداول و بانکداری اسلامی با استفاده از این شیوه پرداخته‌اند. سمدانی به بررسی و تبیین واژه ریسک و تمایزات آن با غرر و نااطمینانی در ادبیات اسلامی پرداخت (Samdani, 2007). سرکر بیان نمود که ویژگی‌های خاص ریسک در بانکداری اسلامی، نیازمند وضع مقررات خاص است (Sarker, 1999). در حالی که کهنف به این نتیجه رسید که ماهیت و کیفیت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی مشابه با بانکداری متداول است (Kahf, 2005)؛ ازاین‌رو، فرایندهای محاسبه میزان ریسک اعتباری و حداقل سرمایه مورد نیاز بانک برای مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی تفاوتی با بانکداری متداول ندارد. سلمان و جلبانی نیز فرایندهای مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی را بررسی و با فرایندهای مرسوم در بانکداری متداول مقایسه نموده‌اند (Shaikh Salman and Jalbani, 2008). خان و احمد ضمن مرور مفاهیم مربوط به ریسک و مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی به رتبه‌بندی انواع ریسک در بانکداری اسلامی با استفاده از داده‌های مؤسسات مالی ۲۸ کشور اسلامی پرداختند (Khan and Ahmed, 2001). ساندراراجان و اریکو بیان نمودند که تأمین مالی از طریق مشارکت در سود و زیان می‌تواند ریسک اعتباری مستقیم بانک را به سپرده‌گذاران منتقل نموده و به‌علاوه به‌دلیل عدم تضمین دارایی‌های بانک، میزان ریسک سمت دارایی‌ها در ترازنامه بانک را افزایش دهد (Sundararajan and Errico, 2002). صمد و حسن با مقایسه عملکرد بانک اسلامی مالزی با دو بانک غیراسلامی به

این نتیجه رسیدند که بانک اسلامی مالزی به دلیل سرمایه‌گذاری زیاد در اوراق قرضه دولتی با ریسک پایین‌تری مواجه است (Samad and Hasan, 1999).

موضوع سنجش میزان ریسک پرتفوی اعتباری در بانکداری اسلامی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در این زمینه مطالعات صورت گرفته تنها میزان بازبایی و یا ارتباط میان نرخ بازبایی و میزان زیان انتظاری را برآورد نموده‌اند؛ برای نمونه، اسماعیل و سلیمان با استفاده از داده‌های بانک‌های اسلامی در دوره ۱۹۹۴-۲۰۰۴ به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش احتمال عدم بازپرداخت و کاهش نرخ‌های بازبایی، میزان زیان انتظاری و غیرانتظاری بانک‌ها در این دوره افزایش داشته است (Ismail and Sulaiman, 2006). مطالعه رحمان و دیگران نیز نشان‌دهنده موفقیت بانک بنگلادش در تأمین مالی از طریق مشارکت در سود است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد نرخ بازبایی این طرح‌ها بالغ بر ۹۹ درصد است (Rahman et al., 2008).

۳. ریسک اعتباری در بانکداری متداول و شیوه سنجش آن

در این بخش ضمن مرور مفهوم ریسک و بیان تمایز آن با ناطمینانی، به معرفی مدل ارزش در معرض ریسک اعتباری به‌عنوان شیوه سنجش ریسک اعتباری و بیان عوامل مؤثر بر میزان آن می‌پردازیم. این شیوه ملاک مقایسه میزان ریسک در بانکداری متداول و اسلامی در مقام نظر در این مقاله است. به‌علاوه شیوه مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری متداول نیز در این بخش به‌اجمال معرفی خواهد شد.

۳-۱. مفهوم ریسک و ناطمینانی در ادبیات مالی

ریسک در لغت به مفهوم امکان یا احتمال بروز خطر یا روبه‌رو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن، کاهش درآمد و زیان دیدن است. ریشه ریسک از کلمه ایتالیایی «risicare» به مفهوم «to venture» است. این مفهوم به معنی تقبل ریسک در اتخاذ آگاهانه تصمیم دلالت دارد. به‌عبارتی، تحمل میزان ضرر و یا احتمال ضرر آتی که از هر تصمیم یا پدیده بالقوه ناشی می‌شود (تدبیر، ۱۳۸۵).

با مراجعه به منابع مختلف علمی، تعاریف متعددی از ریسک می‌توان یافت که البته هرکدام، بسته به بُعد یا زاویه دید خود، تعریف متفاوتی از ریسک ارائه کرده‌اند. در «فرهنگ مدیریت رهنما»، در تعریف ریسک آمده است: «ریسک عبارت است از هر چیزی که حال یا آینده دارایی یا توان کسب درآمد شرکت، مؤسسه یا سازمانی را تهدید می‌کند». «وستون» و «بریگام» در تعریف ریسک یک دارایی می‌نویسند: «ریسک یک دارایی عبارت است از تغییر احتمالی بازده آتی ناشی از آن دارایی». به زبان ساده، نااطمینانی در تحقق نتایج مورد انتظار و احتمال بروز نتایج غیرمطلوب را می‌توان ریسک نامید (فتحی، ۱۳۸۵). در ادبیات مالی نیز ریسک به حالتی اطلاق می‌گردد که وقوع دو یا چند پیامد ممکن باشد. به عبارت دیگر، ریسک به حالتی گفته می‌شود که متضمن احتمال انحراف از مسیری است که به نتایج مورد انتظار منتهی می‌گردد (Elgari, 2003).

در این راستا ریسک، هم احتمال سود و هم احتمال زیان را در بر می‌گیرد. به طور کلی، می‌توان ریسک را «احتمال تغییر در مزایا و منافع پیش‌بینی شده برای یک تصمیم، یک واقعه و یا یک حالت در آینده» دانست. واژه تغییر، اشاره به هرگونه کاهش یا افزایش در منافع دارد. به این معنا که صرفاً تغییرات نامطلوب نیست که در چارچوب ریسک معنا پیدا می‌کند. بلکه تغییرات مطلوب نیز در این معنا در چارچوب ریسک قرار دارد. از این رو، مدیریت ریسک زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که شرایط با احتمال وقوع زیان و عدم اطمینان مواجه شود. مدیریت ریسک را فرایند یافتن و به اجرا گذاشتن روش‌های مقابله با ریسک باید دانست و به عبارت دیگر، مدیریت ریسک به مجموعه اعمالی گفته می‌شود که بتواند دارایی‌های یک مؤسسه و بنگاه اقتصادی را حفظ نماید (فتحی، ۱۳۸۵).

مفهوم ریسک با نااطمینانی متفاوت است. ریسک به احتمال وقوع یک حادثه گفته می‌شود که رخداد آن نامطمئن است. حوادثی که وقوع آن قطعی است، ریسکی را در بر ندارند. نااطمینانی ریسک را به همراه می‌آورد. احتمال زیان در یک تجارت ریسک است. بازدهی در یک سرمایه‌گذاری به طور مستقیم با ریسکی بودن آن ارتباط دارد. در

این حالت سنجش ریسک برای سرمایه‌گذاران مسئله‌ای حیاتی و مهم برای تصمیم‌گیری محسوب می‌شود. ریسک مسئله‌ای است که در اندازه‌گیری و سنجش احتمالات و وقوع حوادث نامطلوب ممکن است؛ اما نااطمینانی به حالتی اطلاق می‌شود که سنجش احتمالات یا ممکن نیست یا مفید نیست (Al-Suwailem, 2002).

۲-۳. مدل ارزش در معرض ریسک اعتباری

برای مقایسه میزان ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول، نیازمند بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر میزان این ریسک است. ارزش در معرض ریسک اعتباری روش مورد استفاده برای مقایسه ریسک پرتفوی اعتباری در دو نظام مذکور است. به‌طور کلی ریسک اعتباری بیانگر احتمال عدم بازپرداخت^۱ و میزان ضرر با عدم بازپرداخت مشخص^۲ است. با عدم بازپرداخت، ضرر واقعی ترکیبی از میزان ضرر با عدم بازپرداخت مشخص و میزانی در معرض عدم بازپرداخت^۳ خواهد بود. این بخش مدل ارزش در معرض ریسک و عوامل مؤثر بر آن معرفی می‌گردد و در بخش بعد مقایسه دقیق‌تر عوامل مؤثر بر میزان ریسک اعتباری در فضای نظری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. احتمال عدم بازپرداخت

یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده میزان ریسک اعتباری، احتمالات عدم بازپرداخت به تفکیک اعتبارگیرندگان است. برای محاسبه این عامل می‌توان از دو روش استفاده از رتبه‌های اعلام‌شده توسط مؤسسات رتبه‌بندی و سیستم نمره‌دهی اعتباری^۴ بر مبنای اطلاعات حسابداری استفاده کرد. هدف اصلی از رتبه‌بندی اعتباری «ارزیابی قابلیت اعتباری» است. بنگاه مودی^۵ به‌صورت فنی‌تر رتبه‌بندی اعتباری را «بررسی توانایی آینده، تعهد قانونی و تمایل انتشاردهنده اوراق قرضه و یا سایر تعهدکنندگان برای پرداخت کامل اصل و نرخ بهره به سرمایه‌گذاران در سررسید مقرر» تعریف می‌کند (Jorion, 2003).

۳-۲-۲. نرخ‌های بازیابی

ریسک اعتباری همچنین به میزان ضرر با عدم بازپرداخت مشخص^۶ بستگی دارد. این میزان ضرر با یک منهای نرخ بازیابی^۷ و یا بخشی که بعد از وقوع نکول بازیابی می‌شود، بیان می‌گردد. این مسئله به‌طور مشخصی با اولویت بازپرداخت بدهی‌ها در زمان ورشکستگی بنگاه یا فرد ارتباط دارد.

در حالت کلی، عدم بازپرداخت حالتی است که همه تعهدات بنگاه را - به‌ویژه زمانی که خطر ورشکستگی وجود داشته باشد- تحت تأثیر قرار می‌دهد. پروسه ورشکستگی سلسله‌مراتبی برای بازپرداخت به اعتباردهندگان بنگاه ارائه می‌دهد که در آن ترتیب پرداخت به اعتباردهندگان مشخص گردیده و به‌طبع نرخ‌های بازیابی متفاوتی را برای اعتباردهندگان ایجاد می‌نماید.

جدول زیر به تشریح سلسله‌مراتب مذکور در جریان ورشکستگی در بانکداری متداول می‌پردازد. در بالای این فهرست اعتباردهندگان تضمین‌شده مشاهده می‌شود که به‌سبب حق تقدم تمامی ارزش وثیقه تضمینی به وی پرداخت می‌شود. در ادامه نوبت به اعتباردهندگان در اولویت^۸ می‌رسد که اغلب اعتباردهندگان بعد از ورشکستگی می‌باشند.

جدول شماره ۱. سلسله‌مراتب پروسه ورشکستگی

اولویت	اعتباردهنده
بالاترین (پرداخت در ابتدا)	اعتباردهندگان تضمین‌شده (تا سقف وثیقه‌های تضمین‌شده)
	اعتباردهندگان در اولویت بنگاه‌هایی که در زمان ورشکستگی پول قرض می‌دهند تأمین‌کنندگان کالاها و خدمات در دوران ورشکستگی (مثل کارفرما، فروشنده و...) مالیات‌ها
پایین‌ترین (پرداخت در انتها)	اعتباردهندگان عمومی اعتباردهندگان تضمین‌نشده قبل از ورشکستگی سهامداران

در دسته آخر در صورت باقی ماندن وجوه بعد از توزیع آن به دو گروه قبل، نوبت به اعتباردهندگان عمومی^۹ می‌رسد. این سلسله‌مراتب به‌منظور تسهیل در بازپرداخت و جلوگیری از دادخواهی در آینده تهیه گردیده و بدین طریق تفاوت‌های زیادی در نرخ بازبایی ایجاد می‌نماید. وام‌های بانکی غالباً تضمین‌شده هستند و به همین سبب انتظار بر این است تا نرخ بازبایی بالاتری داشته باشند^{۱۰}. به‌طور کلی نرخ بازبایی به چند عامل بستگی دارد:

وضعیت یا اولویت بدهکار^{۱۱}: ادعاهایی با تقدم کمتر نرخ بازبایی کمتری نیز دارند. شرایط اقتصاد^{۱۲}: نرخ بازبایی در رکود تمایل به کمتر بودن دارد (Jorion, 2003).

۳-۲-۳. حدود خطر انتظاری و بدترین حدود خطر اعتبار

حدود خطر اعتبار شامل دو جزء عمده است: حدود خطر فعلی - که قابل مشاهده است - و حدود خطر بالقوه و یا حدود خطر آینده که به‌صورت تصادفی است. برای محاسبه حدود خطر انتظاری نیاز به تعیین حدود خطر اعتبار^{۱۳} برای انواع خدمات بانکی است. حدود خطر اعتبار و یا اعتبار در معرض نکول^{۱۴} (EAD) به مقداری از اعتبار اطلاق می‌شود که با ایجاد نکول با ریسک مواجه می‌شود. زمانی که بانکداری در معنای ساده آن یعنی وام دادن به کار می‌رود، حدود خطر اعتبار ارزش اسمی وام و یا سایر تعهدات خواهد بود. به‌طور کلی حدود خطر اعتبار قسمت مثبت ارزش یک دارایی است. حدود خطر بالقوه^{۱۵} نیز بیانگر میزانی است که در آینده با ریسک مواجه می‌شود. بر اساس تعریف، میزان ریسکی را که ابزارهای مختلف مالی با آن مواجه‌اند، می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت. عمده‌ترین ابزار در معرض ریسک اعتباری وام‌هاست که جزء دارایی‌های ترازنامه محسوب می‌شوند که حدود خطر اعتبار فعلی و بالقوه آن‌ها فرضی^{۱۶} است و همان میزانی است که وام داده می‌شود و یا سرمایه‌گذاری می‌گردد. حدود خطر اغلب فرضی برای اعتبارات قابل وصول و تجاری است به‌گونه‌ای که ضرر بالقوه برابر میزان آن در سررسید است (Jorion, 2003).

اگر x را به‌عنوان ارزش بالقوه یک دارایی در تاریخ مورد نظر تعریف کنیم، تابع توزیع تجمعی این متغیر به‌صورت $f(x)$ خواهد بود. حدود خطر انتظاری اعتبار^{۱۷} ارزش انتظاری مقدار جایگزین دارایی در زمان مورد نظر است:

$$ECE = \int_{-}^{+\infty} \text{Max}(x, 0) f(x) dx$$

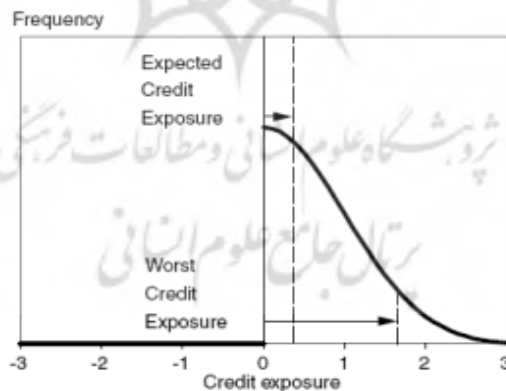
بدترین (بیشترین) حدود خطر اعتباری^{۱۸} حداکثر حدود خطر در سطح مشخصی از اطمینان است که به‌عنوان اعتبار در ریسک تعریف می‌گردد. به‌طور ضمنی این‌گونه تعریف می‌شود که مقداری که در سطح مشخص اطمینان p از آن تجاوز نشده باشد:

$$1 - p = \int_{WCE}^{\infty} f(x)$$

در صورتی که X با میانگین صفر و پراکندگی σ توزیع شده باشد، ارزش انتظاری در ریسک برابر خواهد بود با:

$$ECE = \frac{1}{2} E(x | x > 0) = \frac{1}{2} \sigma \sqrt{\frac{2}{\pi}} = \frac{\sigma}{\sqrt{2\pi}}$$

شکل زیر محاسبه ECE و WCE را برای توزیع نرمال نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که مقادیر منفی x در نظر گرفته نشده است (Jorion, 2003).



شکل شماره ۱. حدود خطر انتظاری اعتبار و بدترین حدود خطر اعتبار برای توزیع نرمال

۳-۲-۴. زیان اعتباری انتظاری و بالاترین زیان اعتباری

در بخش‌های قبلی نحوه محاسبه احتمال عدم بازپرداخت، حدود خطر اعتبار و نرخ بازبایی برای تک‌تک اعتبارات مورد بحث قرار گرفت. حال باید به نحوه محاسبه و مدیریت ریسک اعتباری برای کل پرتفوی بانک پرداخته شود. در این مرحله می‌توان اطلاعات مربوط به احتمال عدم بازپرداخت، نرخ بازبایی و حدود خطر اعتبار را با یکدیگر ترکیب نمود و توزیع زیان مربوط به ریسک اعتباری را محاسبه کرد. برای یک ابزار ضرر اعتباری فعلی یا بالقوه برابر است با:

$$\text{Credit Loss} = b \times \text{Credit Exposure} \times \text{LGD}$$

که دربرگیرنده متغیر تصادفی b است. این متغیر در صورت حادث شدن نکول با احتمال p مقدار عددی ۱ می‌گیرد و LGD نیز میزان زیان با عدم بازپرداخت مشخص است. برای یک پرتفوی با N فاکتور میزان ضرر برابر است با:

$$\text{Credit Loss} = \sum_{i=1}^N b_i \times CE_i \times \text{LGD}_i$$

که در آن CE_i برابر با کل اعتبار در ریسک فرد i برای همه قراردادهاست (Jorion, 2003).

بدترین (بالاترین) زیان اعتباری بیانگر زبانی است که در سطح اطمینان مشخصی از آن تجاوز نمی‌شود. همانند شکل ارزش در معرض ریسک، زیان اعتباری انتظارناپذیر^{۱۹} انحراف از زیان انتظاری را بیان می‌کند. مؤسسه مالی و یا بانک باید سرمایه کافی برای پوشش این میزان زیان را داشته باشد، به عبارت دیگر، محاسبه میزان بالاترین زیان و یا زیان اعتباری انتظارناپذیر حداقل سرمایه مورد نیاز برای یک مؤسسه مالی چون بانک را فراهم می‌کند تا از خطر ورشکستگی مصون بماند. به منظور قیمت‌گذاری نیازمند محاسبه زیان اعتباری انتظاری افق زمانی مشخص عبارت است از:

$$E[CL] = \int f(b, CE, LGD)(b \times CE \times LGD) db \cdot dCE \cdot dLGD$$

اگر متغیرهای تصادفی مستقل باشند، توزیع تجمعی مشترک برابر با حاصل ضرب تجمعی‌ها می‌گردد:

$$E[CL] = \left[\int f(b)(b) db \right] \left[\int f(CE)(CE) dCE \right] \left[\int f(LGD)(LGD) dLGD \right]$$

که حاصل ضرب مقادیر انتظاری هستند. به عبارت دیگر:

$$E[CL] = \text{Prob}[\text{default}] \times E[\text{Credit Exposure}] \times E[\text{LGD}]$$

۳-۲-۵. ارزش در معرض ریسک پرتفوی اعتباری

عنصر دیگر توزیع زیان اعتباری، ارزش در معرض ریسک پرتفوی اعتباری^{۲۰} است که به صورت زیان اعتباری انتظارناپذیر در سطح اطمینان مشخص تعریف می‌گردد. بعد از محاسبه میزان زیان اعتباری (CL)، می‌توان در یک افق مشخص برای آن تابع توزیع $f(CL)$ تعریف نمود. در یک سطح اطمینان مشخص مثل C بدترین زیان اعتباری (WCL) به صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$1 - c = \int_{WCL}^{\infty} f(x) dx$$

ارزش در معرض ریسک اعتباری انحراف از زیان اعتباری انتظاری محسوب می‌شود. به عبارت دیگر:

$$CVAR = WCL - ECL$$

میزان عددی ارزش در معرض ریسک اعتباری (CVAR) میزان سرمایه اقتصادی لازم است که به عنوان سپر در مقابل زیان‌های انتظارناپذیر عمل می‌کند و کاربرد آن به طور کامل با زیان اعتباری متفاوت است. نکته قابل توجه اینکه ارزش در معرض ریسک در یک افق زمانی مشخصی - مثلاً یک سال - که برای اجرای اقدامات لازم برای اصلاح مشکلات اعتباری کافی باشد، تعریف می‌گردد (Jorion, 2003).

۳-۳. شیوه‌های مواجهه با ریسک اعتباری در بانکداری متداول

در بانکداری متداول ساختارها و ابزارهای متعددی برای کنترل و مدیریت ریسک وجود دارد، به گونه‌ای که این امکان را فراهم می‌سازد تا سطوح مناسبی از ریسک انتخاب گردد. در این رویکرد زمان و ریسک همانند کالای قابل خرید و فروش در نظر گرفته می‌شود. بانک می‌تواند ریسک‌هایی را به دیگران واگذار نماید و ریسک‌های دیگری را متناسب به هدف خود بخرد. برخی از ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری متداول را می‌توان این گونه بیان نمود (Jorion, 2003):

الف. اعطای اعتبار به افراد بر اساس میزان معتبر بودن و توانایی مشتری در ایفای تعهدات خود در زمان معین و شرایط مقرر دیگر صورت می‌پذیرد. اعتبار مالی و سابقه اعتباری مشتری، ثبات مالی، وضعیت آینده فعالیت و... از جمله موارد تعیین‌کننده اعتبار فرد است.

ب. اخذ وثیقه و تضمین‌های ملموس و شخصی با تأکید بر توانایی بانک بر وصول مطالبات خود از مشتری. اعتبار بر اساس قدرت وثیقه و تضمین اعطا نمی‌شود بلکه ملاک توانایی مشتری بر بازپرداخت است.

ج. شرایط کلی اقتصادی و به‌طور خاص شرایط و ویژگی‌های صنعت مورد نظر اهمیت خواهد داشت. در هر صورت تغییر در شرایط محیطی ممکن است توانایی مشتری را در بازپرداخت بدهی متأثر سازد.

د. بانک‌ها قوانین و سیاست‌های دقیقی را برای پیگیری و بازیابی مطالبات معوق خود وضع می‌کنند. قرارداد وام به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که بانک در صورت عدم بازپرداخت مشتری، ابزارهای لازم برای وصول مطالبات خود را در اختیار داشته باشد. هـ. ابزارهای جدیدی برای تبدیل بدهی‌ها به ابزارهای قابل مبادله و یا فروش به‌طرف سوم از جانب بانک‌ها توسعه داده شده است. این ابزارها به بانک توانایی تغییر پرتفوی خود در هر زمان و انتخاب میزان ریسک متناسب با شرایط و نیازهای آینده از طریق فروش دارایی‌های با ریسک نامطلوب و خرید دارایی‌های دیگر را می‌دهد.

۴. ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و مقایسه آن با بانکداری متداول

در این بخش ابتدا به مفهوم ریسک از دیدگاه اسلامی اشاره می‌شود. برای این منظور مفهوم خطر ناشی از نوع قرارداد و همچنین رابطه ریسک و غرر مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس با بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر میزان ریسک اعتباری معرفی شده در بخش سوم، به مقایسه میزان این ریسک در بانکداری اسلامی و متداول می‌پردازیم.

۴-۱. معنای ریسک از دیدگاه اسلامی

۴-۱-۱. مفهوم ریسک در اسلام

زمخشری در «کتاب الفائق» خود خطر در لغت عرب را به معنای احترام و افتخار دانسته است. به علاوه خطر به معنای عجله و نظارت بر خراب کردن نیز است. جایزه‌ای که برای شرکت‌کنندگان در شرط‌بندی معین می‌شود نیز معنای دیگر برای خطر به شمار می‌رود. معنای خطر میان وجود و نبود نوسان می‌کند (Elgari, 2003).

آنچه امروز از واژه خطر در زبان عربی درک می‌شود، همان ریسک در بحث‌های مالی است. از همین رو در بحث‌های مطرح‌شده توسط فقهای پیشین در مورد این واژه مطلبی ارائه نگردیده است. عدم بیان این مطلب بدان معنا نیست که ریسک‌های شناخته‌شده‌ای چون ریسک نوسان قیمت، ریسک اعتباری و... در زمان‌های قدیم رایج و متداول نبوده است. در هر صورت شرایط اقتصادی رایج در آن زمان و روش‌شناسی قراردادهای اهمیت چندانی برای موضوع ریسک قائل نمی‌شده است. علی‌رغم نو بودن بسیاری از مباحث ریسک، مدیریت ریسک مسئله نوپایی در اسلام به شمار نمی‌رود. به‌طور کلی عقد مشارکت، مضاربه، سلم و غیره به‌نوعی انتقال و تسهیم ریسک را در بر داشته و بیانگر اهتمام به موضوع ریسک است. برای نمونه عقد سلم که به‌طور وسیع در زمان حضرت پیامبر(ص) نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت، نمونه‌ای از مدیریت ریسک به شمار می‌رود. این عقد به‌دنبال پوشش ریسک ناشی از نوسانات قیمت است. هرچند کشاورز در کشت، آبیاری، نگهداری و برداشت محصول تبحر دارد، ولی قادر نیست به‌نحو مناسبی ریسک بازار ناشی از نوسان قیمت محصول را کنترل می‌کند. با پیش‌فروش محصول و قبول تعهد، وی این ریسک را به افرادی که در مدیریت ریسک بازار تبحر دارند، منتقل می‌نماید (نظری، ۱۳۸۴).

محققان اسلامی بر اساس قواعد فقهی شناخته‌شده‌ای چون «الغنم بالغرم» و یا «الخراج بالضمنان» به تحلیل‌های زیادی در مورد ریسک در اسلام پرداخته‌اند.^{۲۱} (مرکز مطالعات تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۹). به‌علاوه توصیه‌های حضرت رسول(ص) در مورد ممنوعیت کسب سود بدون تعهد و یا ممنوع بودن معامله غرری ارتباط مستقیمی با

مباحث ریسک دارد، ولی معنای مورد نظر فقهاء با آنچه در بحث‌های مطرح شده در زمینه ریسک در بانکداری متداول آمده است، تفاوت‌هایی نیز دارد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱-۲. معنای خطر ناشی از نوع قرارداد در فقه

همان‌گونه که ذکر گردید، در بحث‌های مالی، ریسک شامل نیروهایی است که منجر به انحراف از مسیر مورد انتظار نتایج می‌گردد. این نیروها ارتباط مستقیمی به نوع قرارداد ندارد بلکه به شرایط پیرامونی رابطه قراردادی، مانند تغییر شرایط اقتصادی بستگی دارد. براین اساس، نمی‌توان به‌طور مطلق بیان نمود که لزوماً بانکی که وامی را به مشتری می‌دهد، ریسک کمتری را نسبت به بانک اسلامی که همان میزان را به فرد بر اساس مشارکت می‌دهد، محتمل می‌شود.

خطر در فقه به قرارداد مربوط می‌شود و نشان‌دهنده نااطمینانی ناشی از رابطه قراردادی است. در عقود اسلامی حقوق و تعهدات طرفین به‌طور واضح باید مشخص گردد. ابهام و عدم شفافیت در این عقود ریسک تلقی گردیده و به شرایط پیرامونی طرفین قرارداد اشاره‌ای ندارند و این شرایط معنای خطر در فقه را بیان نمی‌کنند.

۴-۱-۳. تفاوت ریسک با غرر در معامله غرری

برای واژه «غرر» معانی گوناگونی در کتاب‌های لغت و فقه ذکر کرده‌اند؛ مانند خطر (ریسک)، خدعه، امری که مورد تعهد و اطمینان نباشد، امری که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد (علیدوست، ۱۳۸۴). واژه غرر به معنای ریسک و تقلب است، معنای فریب و جهل نیز می‌دهد (السویلیم، ۱۳۸۸). در فقه به معنای پیامد و نتیجه نامعلوم و نامطمئن است. غالب قراردادهای فروش، مقداری از غرر را در بر دارند و به‌طبع نهی غرر، شامل غررهای جزئی نمی‌شود.

مسئله غرر در مبادلات همواره مد نظر فقه شیعه بوده است و مسلمانان همواره سعی در اجتناب از مبادلات غرری داشته‌اند. شهید اول در کتاب «قواعد»، غرر را چنین تعریف کرده است: غرر در لغت چیزی است که ظاهری محبوب و پسندیده و باطنی

ناپسند داشته باشد. در این بخش تفاوت و تمایز میان غرر و ریسک به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد. ریسک در قلمرو مسائل حقوقی دارای مفاهیم متعددی است و صرفاً معادل کلمه غرر نیست؛ زیرا غرر در حقوق اسلامی، با توجه به منشأ و موارد آن، غیر از ریسک مصطلح و متداول است و تنها در برخی موارد مطابقت دارد؛ مثلاً جایی که مورد معامله برای طرفین مجهول باشد (از جهت اوصاف و کیفیت و امثال آن) و در نتیجه جهل به آن، خطر و زیان و خسارتی متوجه یک طرف یا طرفین قرارداد شود، در این وضعیت ریسک می‌تواند به معنای غرر (احتمال خسارت) باشد؛ به‌طور کلی، بیشتر بلکه همه فقهاء با استناد به حدیث نفی غرر بر «اشترای قدرت بر تسلیم عوضین»^{۲۲}، «اشترای علم به عوضین»^{۲۳} و «اشترای علم به امور مربوط به بیع»، حکم کرده‌اند و از این رو، با معنای مرسوم ریسک تفاوت دارد (علیدوست، ۱۳۸۴). عمده‌ترین این تمایزات شامل موارد ذیل است:

الف. غرر مربوط به نقص در «نوع» قراردادی است که به ریسک منجر می‌شود، اما ریسک به‌نوبه خود منجر به ابطال قرارداد نمی‌گردد. در ادبیات مالی، ریسک مربوط به شرایط پیرامونی قرارداد است، به‌گونه‌ای که هدف طرف قرارداد محقق نگردد. برای نمونه قرارداد فروش اقساطی را در نظر بگیرید که در آن کالا در زمان قرارداد در تملک فروشنده بوده و زمان و مبلغ معامله نیز مشخص و ثابت باشد، قرارداد معتبر است و غرری در بر ندارد. چون حقوق و تعهدات طرفین به‌طور واضح در قرارداد مشخص گردیده است. این قرارداد ممکن است با ریسک بالایی به دلیل اعتبار کم خریدار یا عدم تضمین بدهی با وثیقه یا تضمین‌های شخصی مواجه باشد.

از طرف دیگر قرارداد فروش اقساطی دیگری را در نظر بگیرید که با یک شاخص مالی مثل لیبر^{۲۴} مرتبط شده باشد. در زمان پرداخت، میزان پرداخت بر اساس شاخص مذکور محاسبه می‌شود. این قرارداد با ریسک کمی مواجه است، درحالی‌که غرری محسوب می‌شود. لذا از این جهت معنای غرر و ریسک متفاوت است. غرر مربوط به رابطه قراردادی است و به نوع قرارداد بستگی دارد، ولی ریسک به نتایج ناشی از قرارداد مربوط می‌گردد.

ب. غرر معنای ثابت و مشخصی دارد. در صورتی که در زمان عقد قرارداد معامله‌ای بدون غرر باشد، در آن معامله بعدها غرر نمی‌تواند ایجاد گردد. در مثال قبلی در صورتی که خریدار فوت شود، قرارداد غرری نمی‌گردد، در حالی که ریسک این‌گونه نیست (السویلیم، ۱۳۸۸).

۴-۲. ریسک اعتباری در عقود اسلامی

از میان ریسک‌های موجود در عملیات بانکی، ریسک اعتباری مهم‌ترین ریسکی است که بانک‌ها با آن مواجه می‌شوند. بانکداری متداول در غالب عملیات بانکی خود با ریسک اعتباری مواجه است؛ زیرا ارتباط میان بانک و مشتریان آن در همه موارد ارتباط قرض‌دهنده با یک اعتباردهنده است. ریسک اعتباری ریسکی است که بر اساس آن وام‌گیرنده قادر به پرداخت اصل و فرع وام بدهی خود طبق شرایط مندرج در قرارداد نیست. به عبارت دیگر، مطابق این ریسک، بازپرداخت‌ها یا با تأخیر انجام می‌شود و یا اصلاً وصول نمی‌شوند. این امر موجب ایجاد مشکلاتی در گردش وجوه نقد بانک می‌شود (Khan and Ahmed, 2001).

از دید اسلامی نیز ریسک اعتباری هنگامی به وجود می‌آید که یک طرف قرارداد نسبت به پرداخت وجه (برای مثال در قرارداد سلم) یا تحویل دارایی (برای مثال در قراردادهای مضاربه) قبل از دریافت دارایی و یا وجه نقد از طرف مقابل، اقدام می‌نماید و خود را در معرض ریسک بالقوه‌ای قرار می‌دهد. در روش تأمین مالی از طریق مشارکت در سود و زیان (مثل مضاربه یا مشارکت) ریسک اعتباری با عدم پرداخت سهم بانک توسط کارفرما در موعد مقتضی روی می‌دهد. ممکن است این حالت، معلول اطلاعات نامتقارن بانک‌ها در مورد سود واقعی شرکت یا کارفرما باشد (Khan and Ahmed, 2001).

مضاربه و مشارکت عقود هستند که در آن بانک و کارفرما شریک‌اند و جوهی که بانک می‌پردازد، جزء بدهی‌های بانک محسوب نمی‌شود و این دو عقد نیز از دو جهت با ریسک اعتباری مواجه خواهند بود. الف. در صورت افراط یا تفریط، کارفرما ضامن خواهد بود و باید سرمایه را به بانک برگرداند. ب. در صورتی که سرمایه

مضاربه یا مشارکت در فروش اقساطی به کار رود، صاحب سرمایه (رب المال) در این حالت با ریسک غیرمستقیم اعتباری مواجه خواهد گردید. همچنین امکان دارد که ضعف عملکرد معلول منابع نظام‌مند خارجی باشد. از این رو، بدون تبعیت از یک سیستم مدیریت ریسک اعتباری مناسب، تأثیر زیان عملیات بانکی پیش‌بینی‌ناشدنی خواهد بود. بنابراین وجود چنین سیستمی به بانک امکان ایجاد پرتفوی اعتباری را می‌دهد که هدف از آن رسیدن به بازدهی مناسب سرمایه و دارایی‌هاست.

۳-۴. مقایسه ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول

این بخش به بررسی و مقایسه ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول پرداخته است. ذکر این نکته ضروری است که این مقایسه صرفاً نظری است و نشان‌دهنده ظرفیت میزان این ریسک در دو سیستم بانکداری خواهد بود. ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از سه جهت با بانکداری متداول متفاوت و قابل مقایسه است. اولین بحث مربوط به ماهیت متفاوت قراردادهای بانکداری اسلامی است؛ ماهیت متفاوت قراردادهای سبب تفاوت در میزان ریسک بالقوه خواهد شد. عوامل مؤثر بر میزان عدم بازپرداخت و همچنین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری نیز می‌تواند بر میزان ریسک اعتباری مؤثر باشد.

۳-۴-۱. ماهیت متفاوت قراردادهای

از لحاظ نظری، برخلاف بانکداری متعارف که در آن بانک تنها با نرخ معلومی وام می‌دهد، ماهیت عقود اسلامی به‌گونه‌ای است که بانک اسلامی به‌عنوان سرمایه‌گذار، در سود (در عقودی چون مضاربه و مشارکت) و یا محصول (در عقودی چون مزارعه و مساقات) شریک می‌گردد. از این رو، در بانکداری اسلامی، سپرده‌های سرمایه‌گذاری در سمت بدهی و در سمت دارایی قراردادهای مشارکت در سود و یا محصول در ترازنامه بانک قرار خواهد داشت. ماهیت متفاوت قراردادهای مشارکت در سود و یا محصول در بانکداری اسلامی با پرداخت وام در بانکداری متداول سبب می‌گردد هرگونه ریسک در سمت دارایی‌ها، با ماهیت مشارکت در ریسک سپرده‌های سرمایه‌گذاری به

سپرده‌گذار منتقل شود. بدین طریق در بانکداری اسلامی، بانک از آن جهت که در سرمایه‌گذاری پروژه‌ها به‌طور مستقیم نقش دارد و سود و زیان بانک به آن وابسته است، طرح‌های سرمایه‌گذاری را انتخاب خواهد نمود که از توجیه مناسب برخوردار باشند. به‌علاوه نحوه نظارت بانک در همه مراحل به‌گونه‌ای تنظیم می‌گردد تا انحرافات به حداقل خود برسد. از این‌رو، در مقام نظری، بانکداری اسلامی به‌سبب ماهیت متفاوت قراردادهای آن با ریسک اعتباری کمتری نسبت به بانکداری متداول مواجه خواهد شد و از این جهت گزینه باثبات‌تری نسبت به سیستم بانکداری متداول خواهد بود. نمونه موفق این مسئله در عمل، طرح‌های اجراشده توسط بانک اسلامی بنگلادش در قالب عقود مشارکت در سود در مناطق روستایی است. ویژگی مهم این طرح‌ها بازدهی بالا، نکول پایین و نرخ‌های بازبایی ۹۹/۵۷ درصد است.

۴-۳-۲. عوامل مؤثر بر احتمال عدم بازپرداخت

به‌طور کلی می‌توان عوامل مؤثر بر احتمال عدم بازپرداخت را به سه دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول، توانایی بازپرداخت، عواملی چون شرایط کلان اقتصادی، وضعیت صنعت مورد نظر، جایگاه بنگاه و سودآوری فعالیت را شامل می‌شود. این شرایط فارغ از نحوه تأمین مالی طرح بر توانایی مشتریان در بازپرداخت بدهی تأثیر می‌گذارد. دسته دوم تعهد و ضمانت‌های بازپرداخت است، نوع وثیقه‌ها، ضمانت‌های فردی و سیستم حقوقی نیز از جمله عوامل مؤثر در این دسته است. با استقرار سیستم مناسب مدیریت ریسک به نظر می‌رسد تفاوت عمده‌ای میان بانکداری اسلامی و بانکداری متداول در این دو دسته نباشد. دسته سوم عوامل اثرگذار تمایل به بازپرداخت است، فرهنگ اعتباری جامعه، ویژگی‌های رفتاری و اعتقادی فرد از جمله عواملی است که بر تمایل فرد با فرض توانایی بازپرداخت اثر می‌گذارد. اهمیت این دسته از عوامل به‌اندازه‌ای است که می‌تواند سایر عوامل را تحت‌الشعاع قرار دهد.

بر اساس تعالیم اسلامی ادای دین از واجبات فوری است و بدهکاری که قادر به پرداخت دین خود است، چه آن دین حال بوده و چه مؤجل و زمان ادایش فرارسیده باشد، باید دین خود را ادا کند و تأخیر در ادا بدون رضایت داین جایز نیست. مدیونی

که قادر به پرداخت دین خود است، چنانچه در صورت مطالبه داین، او را معطل کند و در این راستا اهمال نماید، مرتکب گناه شده است. در این راستا آنچه که اصل است، «ادای دین» است؛ زیرا پرداخت بدهی از حق الناس بوده و در دین مقدس اسلام سفارش خاصی بر ادای حق الناس شده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «کل ذنب یکفره القتل فی سبیل الله الا الدین لا کفارة له الا ادائه»؛ «تمام گناهان شهید عفو می‌شود مگر بدهی‌های او که کفاره‌ای جز پرداخت ندارد» (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۳). امام خمینی(ره) نیز در «تحریر الوسیله» در این باره فرموده‌اند: «مما طلة الدائن مع القدرة معصية بل يجب علیه نية القضاء مع عدم القدرة بأن يكون من نية الاداء عندها»؛ «معطل نگاه داشتن طلبکار در پرداخت دین در صورتی که بدهکار قدرت پرداخت دین را دارد، گناه است بلکه واجب است بر کسی که فعلاً قدرت پرداخت ندارد، قصد نماید در صورتی که قدرت پیدا کرد، بدهی خود را ادا کند». آنچه از تعالیم اسلامی در این زمینه استنباط می‌گردد، تلاش برای حذف این دسته از عوامل مؤثر بر عدم بازپرداخت بدهی است.

۴-۳-۳. تمایزات مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول

در بخش دارایی‌های ترازنامه بانک‌های اسلامی و بانک‌های متداول بدهی وجود دارد. هرچند فرض بر آن است که بانک‌های اسلامی از عقود چگون مضاربه و مشارکت بهره می‌برند، در عمل تمرکز بر عقد مرابحه است و به همین دلیل ریسک اعتباری موجود را ساده‌تر مدیریت می‌کنند. ماهیت بدهی‌ها در بانکداری اسلامی متفاوت از بانکداری متداول است و همین مسئله کاربردهای مهمی در ریسک اعتباری دارد. این تمایزات شامل موارد زیر است:

۴-۳-۳-۱. عدم امکان افزایش بدهی بعد از ایجاد آن

در بانکداری متداول وام‌گیرنده موظف به بازپرداخت در دوره‌های مشخص است. در صورت عدم ایجاد تعهد خود در زمان مقرر، بدهی فرد متناسب با زمان تأخیر افزایش می‌یابد. در صورتی که مشتری قادر به پرداخت بدهی در زمان مقرر نباشد و تمایل به حفظ رابطه به بانک و تحمل نرخ بهره بالاتری داشته باشد، «بانک به برنامه‌ریزی زمانی

مجدد بدهی^{۲۵} روی می آورد. به عبارتی افزایش مهلت در ازای همان رباست که از آن نهی شده است. این مسئله در بانکداری اسلامی مجاز نیست به عبارتی با تأخیر در بازپرداخت بدهی از جانب مدیون، بانک اسلامی حق ندارد برای این تأخیر جریمه دریافت کند و از این مسئله درآمد کسب کند. برای کاهش اثرات این مسئله بر درآمد، بانک‌های اسلامی از معیارهای دیگری می‌توانند استفاده کنند. برخی از این معیارها عبارت‌اند از (Elgari, 2003):

الف. وضع نرخ افزوده^{۲۶} بالاتر: در زمان اعطای اعتبار بر اساس الگوهای مختلف بازپرداخت توسط مشتریان قیمت بالاتری می‌تواند وضع شود و به گونه‌ای که قیمت اقساطی وضع شده در مقایسه با وام بالاتر باشد.

ب. تعیین و تعریف معاملات بر اساس این فرض که مشتری قادر به بازپرداخت بدهی خود نباشد و قیمت بالاتری تعیین گردد و همچنین بر اساس این فرض که فرد قادر به بازپرداخت بدهی خود است. از این رو، در برنامه زمانی پرداخت تنظیم می‌گردد. در صورتی که مشتری مطابق برنامه زمانی دوم پرداخت نماید، قسمتی از قیمت اضافی به فرد بازگردانده می‌شود.

۴-۳-۲. ممنوعیت و حرمت مبادله بدهی‌ها

در بانکداری اسلامی فروش بدهی قبل از سررسید به شخصی غیر از مدیون کمتر از قیمت اسمی مجاز نیست. به عبارتی فروش دین و تنزیل نوعی ربا محسوب می‌شود. به علاوه بانک‌های اسلامی مجاز به انتقال دیون در حساب‌های خود از طریق فروش به طرف‌های دیگر نیستند. به عبارتی بانک‌های اسلامی قادر نیستند با تغییر ساختار دارایی خود از طریق فروش بدهی‌های ریسکی و خرید بدهی با ریسک کمتر، پرتفوی بهینه را انتخاب نمایند. بانک‌های اسلامی در مدیریت ریسک خود در این زمینه با انعطاف کمتری مواجه هستند، البته این ریسک بالاتر مربوط به ریسک نقدینگی بوده و ارتباطی به ریسک اعتباری ندارد.

۴-۳-۳-۳. ممنوعیت و تنزل مشروط

بسیاری از مشتریان ممکن است بخواهند قبل از تاریخ سررسید بدهی خود را تسویه نمایند. در قرارداد وام نرخ تنزیل بدهی تعیین شده است و طبق آن بدهی فرد تنزیل می‌گردد. در عقود مباحه‌ای این مسئله ممنوع است. هرچند بازپرداخت پیش از موعد سررسید و همچنین پرداخت نرخ به میزان تنزیل برای پرداخت پیش از موعد اشکالی ندارد، ولی تعیین نرخ تنزیل در قرارداد ممنوع است. از این رو، مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی در این زمینه با این رویکرد، تفاوتی با ریسک اعتباری در بانکداری متداول نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ذکر گردید، مفهوم ریسک مورد اشاره فقهاء در بحث عقود اسلامی، ارتباطی با مفهوم ریسک در مطالعات مدرن مالی ندارد. از این رو، آنچه در نهی از غرر و پرهیز از خطر و ریسک در اسلام بیان شده است، ماهیتاً شامل ریسک در ادبیات مالی نمی‌گردد. به عبارت دیگر، زمانی که فقیه به غرری بودن قراردادها اشاره می‌کند و قراردادی را از دید شریعت مجاز نمی‌داند، به معنای مجاز نبودن مدیریت ریسک در معنای متعارف آن نیست.

در بانکداری متداول، سپرده‌گذاران هیچ مسئولیتی در قبال فعالیت‌های بانک ندارند و بانک متعهد است در هر وضعیتی اصل سپرده و بهره آن را در موعد مقرر به سپرده‌گذار بپردازد. در بخش اعطای وام هم، وقتی بانک وام می‌دهد، رابطه مالکیتی خود را از آن وام قطع کرده و به مالکیت متقاضی در می‌آورد و فرد متعهد می‌شود در سررسیدهای معین، اصل وام و بهره آن را به بانک برگرداند. در این نظام صنعت بانکداری، ارتباط مستقیمی با بخش واقعی اقتصاد ندارد. این در حالی است که با حذف سیستم بهره و بانکداری مبتنی بر آن، ماهیت بانکداری متحول گردیده و بانک دیگر تنها به‌عنوان یک مؤسسه گردش وجوه نیست و سپرده‌گذاران، بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دیگر به‌صورت عناصر مجزا از هم نیستند. سود و زیان بانک‌ها و به‌دنبال آن سود و زیان سپرده‌گذاران، بستگی به عملکرد و موفقیت بنگاه‌ها دارد. پس در ساختار

بانکداری اسلامی علاوه بر آنکه بانکها و مردم به یکدیگر متعهد بوده و مسئولیت دارند، بانکها در چرخه اقتصادی نیز فعالیت دارند تا بتوانند پاسخگوی سپرده‌گذاران باشند. ماهیت متفاوت قراردادهای بانکداری اسلامی و وجود قراردادهای مشارکتی، در مقام نظر می‌تواند به‌عنوان مزیتی برای ریسک اعتباری محسوب شود. به‌علاوه برای سنجش ریسک اعتباری در سطح پرتفوی، رویکرد غالب مورد استفاده، روش ارزش در معرض ریسک است. بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر میزان ارزش در معرض ریسک نشان می‌دهد از لحاظ نظری، به‌دلیل شرایط پیرامونی قراردادهای اسلامی، تمایل به بازپرداخت در بانکداری اسلامی بالاتر از بانکداری متداول است. احتمال عدم بازپرداخت پایین‌تر به معنای کمتر بودن ریسک اعتباری بانک است. از طرفی ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که هرچند بانکداری اسلامی به‌دلیل محدودیت‌های شرعی پیرامون وثیقه در عقود مشارکتی در نرخ‌های بازبایی با انعطاف کمتری مواجه است، مشارکت مستقیم در سود و زیان و انتقال آن به حساب سرمایه‌ای سپرده‌گذاران، سبب می‌گردد ریسک اعتباری مستقیم از بانک به مشتریان انتقال یابد. به‌علاوه، نظارت دقیق و مستقیم بانک عامل مهمی در انتخاب صحیح و دقیق‌تر طرح‌های سودآورتر است و سبب جهت‌دهی مناسب به این طرح‌ها می‌گردد و انحرافات آن را به حداقل می‌رساند. همین مسئله به معنای ریسک اعتباری پایین‌تر است. لذا در بیان نظری، بانکداری در چارچوب عقود اسلامی گزینه پایدارتر با ریسک اعتباری کمتر محسوب می‌گردد

یادداشت‌ها

1. probability of default
2. loss given default
3. exposure at default
4. credit scoring
5. Moody
6. loss given default: LGD
7. recovery rates
8. priority creditors
9. general creditors

۱۰. به طور معمول نرخ بازبایی وام‌های بانکی بین ۵۰ تا ۶۰ درصد در نظر گرفته می‌شود.

11. the status or seniority of the debtor
12. the state of the economy
13. credit exposure
14. exposure at default
15. potential exposure
16. notional
17. expected credit exposure: ECE
18. worst credit exposure: WCE
19. unexpected credit loss
20. credit value at risk

۲۱. برای نمونه، رک. به جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۸۷؛ شریف کاشانی، تسهیل المسالك، ص ۱۰؛ محمدی، قواعد فقهی، ص ۱۶۳، مصطفوی، القواعد، ص ۲۸۹ و مکارم، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲۲. شیخ انصاری بر این مطلب ادعای اجماع می‌کند (مکاسب، ص ۱۸۵).

۲۳. شیخ انصاری، مکاسب ص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ امام خمینی، البیع، ص ۲۳۷ و ۲۴۳.

24. Libor
25. Rescheduling debt
26. Mark-up

کتابنامه

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳)، تحریرالوسیله، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول؛ کتاب‌الدین.

السویلیم، سامی (۱۳۸۸)، پوشش ریسک در مالی اسلامی؛ ترجمه محمد مهدی عسکری و محمد علیزاده، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، «نفی غرر»، فصلنامه اقتصاد، شماره ۸۲.

فتحی، سعید (۱۳۸۵)، «ریسک مالی شاخص‌سازی و اندازه‌گیری»، ماهنامه تدبیر، سال شانزدهم، شماره ۱۶۸.

حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۳، انتشارات مکتبه الاسلامیه.

«مدیریت ریسک جامع: چالش‌ها و رویکردها» (۱۳۸۵)، ماهنامه تدبیر؛ سال شانزدهم شماره ۱۶۹.

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (۱۳۷۹)، *مآخذشناسی قواعد فقهی*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مؤسسه عالی بانکداری (۱۳۷۸)، *مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات بانکداری اسلامی*، چاپ اول.

نظری، حسین (۱۳۸۴)، «بیع سلف و سلم در فقه امامیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان.

- Akks, Ali, *Superiority of Islamic Banking*, Bangladesh Open University, www.cdss.ingeniousbd.org.
- Al-Suwailem, S. (2002), *Decision-making Under Uncertainty: An Islamic Perspective*, Islamic Development Bank.
- Bassi, F., P. Embrechts, and M. Kafetzaki (1996), *A Survival Kit on Quartile Estimation*, Working paper, Dept. of Mathematics, Swiss Federal Institute of Technology.
- Crnkovic, C. and J. Drachman. A. (1996), *Universal Tool to Discriminate among Risk Measurement Techniques*, Working paper, J. P. Morgan, Corp.
- Elgari, M. Ali (2003), "Credit Risk in Islamic Banking and Finance", *Islamic Economic Studies*, Vol. 10, No. 2.
- Ismail, A. G. and Sulaiman A. A. (2006), *Default and Recovery Rates on Islamic Banks Financing: Implications for New Capital Adequacy Standard*, Review of Islamic Economics.
- Jackson, P.; Maude, D. and Perraudin, W. (1997), "Bank Capital and Value at Risk", *Journal of Derivatives*, 4(3).
- Jorion, Philippe (2003), *Financial Risk Manager Handbook*, 2nd Edition, John Wiley & Sons, Inc.
- Kahf, Monzer (2005), "Basel II: Implication for Islamic Banking", 6th International Conference on Islamic Economics and Banking.
- Khan, Tariqullah and Ahmed, Habib (2001), *Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry*, Islamic Development Bank.
- Lopez, J. (1996), *Regulatory Evaluation of Value-at-Risk Models*, Working paper, New York Federal Reserve Bank.
- Rahman, M. Mizanur; Jafarullah, M. and Islam, Tawhid (2008), "Rural Development Scheme of Islamic Bank Bangladesh Limited (IBBL): Assessment and Challenges", *IIUM Journal of Economics and Management*, 16, no. 2.

- Samad, A. and Hasan, M.K. (1999), "The Performance of Malaysian Islamic Bank During 1984-1997: An Exploratory Study", *International Journal of Islamic Financial Services*, 1 (3).
- Samdani, Ijaz A. (2007), *Islamic Banking and Gharar, Karachi*, Idara-e-Islamiat.
- Sarker, M.A.A. (1999), "Islamic Banking in Bangladesh: Performance, problems and Prospects", *International Journal of Islamic Financial Services*, 1 (3).
- Shaikh Salman and Jalbani, Amanat (2008), "Risk Management in Islamic and Conventional Banks: A Differential Analysis", *Journal of Independent Studies & Research*, Szabist, Karachi.
- Sundararajan, V and Errico, L. (2002), "Islamic Financial Institutions and Products in the Global Financial Systems": Key Issues in Risk Management and Challenges Ahead: IMF Paper WP/02/192.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی